سلام کودکانه

هم درس، هم بازی

امروز چشمم به عروسکم افتاد که گوشه کمدم نشسته بود. فکر کنم خیلی غصه می‌خورد، چون من قبل از این‌که به مدرسه بروم هر روز با او بازی می‌کردم، اما از وقتی مدرسه شروع شده، خیلی فرصت نمی‌کنم با او بازی کنم. فکر خوبی کردم. به عروسکم گفتم: «بیا با هم معلم بازی کنیم» عروسکم شاگرد من شد و من هر چیزی را که معلمم به من یاد داده بود، به او یاد دادم. تصمیم گرفتم هر روز همین بازی را با هم بکنیم. این‌طوری هم عروسکم حوصله‌اش سر نمی‌رود، هم من درسم را بهتر یاد می‌گیرم. تازه عروسکم هم باسواد می‌شود.

ارسال نقاشی، قصه، خاطره، عکس و... ۰۹۳۵۲۴۳۹۴۵۷ ۲۰۰۰۰۹۹۹

خبرنگار افتخاری

۱۰ روز شادِ شادِ شاد

آی بچه‌ها خبر دار خبر خبر دار!

خبر این که ما این چند روز توپیش دبستانی مون جشن بزرگ انقلاب رو برگزار کردیم و برای انقلاب مون جشن تولد ۴۱ سالگی گرفتیم.

تو این روزها به خاطر جشن انقلاب، ما برنامه‌های شاد زیادی داشتیم، مسابقه طناب کشی، بادکنک باد کردن، مسابقه های ورزشی و ... توی این هفته داشتیم که خیلی خوش گذشت. کاردستی‌های قشنگ درست کردیم، کیک پختیم و یه سرود هم یاد گرفتیم. خلاصه، کلی شادی کردیم و خوش گذروندیم.

گزارش ارسالی از دوست خوب «فرفره»
زینب سادات صابری- ۶ ساله
پیش‌دبستانی عرشیان توس

فرفره

صفحه‌ای برای ۵ تا ۱۰ ساله ها

روزهای زوج

«زندگی سلام»

نقاشی ارسالی از دوست خوب «فرفره»
یلدا تجدد، ۸ ساله

شعر

جشن پیروزی

بیست و دوم بهمن
جشن انقلاب ماست
جشن خوب پیروزی
توی میهنم بر پاست

توی دست من، پرچم
توی دست تو، پرچم
جشن سرزمینم را
ما گرفته‌ایم باهم

شاعر: طاهره اکرمی

شهرقصه

وقتی گل سرخ خندید

توی باغچه حیاط خانه سارا کوچولو گل سرخی زندگی می‌کرد که خیلی ناراحت بود. دوستان او همه توی باغچه، کنار هم بودند اما او پیش دوستانش نبود.

یک روز به سنجاقکی که در اطرافش پرواز می‌کرد، گفت: «سنجاقک کوچولو می شه منو ببری پیش دوستام؟ من این جا تنهام». سنجاقک گفت: «من خیلی دلم می‌خواد بهت کمک کنم اما خیلی کوچیکم، نمی‌تونم» وازآن‌جا رفت. گل سرخ باز هم غمگین بود، ناگهان صدایی شنید. خم شد وبه پایین نگاه کرد. صدای جیرجیرک بود که داشت آواز می‌خواند. گل سرخ خوشحال شد و گفت: «جیرجیرک جان! منومی‌بری پیش دوستام؟ من این جا تنهام».

جیرجیرک گفت: «اما من خیلی کوچیکم. متاسفم، نمی‌تونم کمکت کنم».

گل سرخ دوباره ناراحت شد و گلبرگ‌هایش را جمع کرد و غصه خورد. روز بعد، سارا کوچولو به حیاط آمد و کنار باغچه رفت. چشمش به گل سرخ افتاد که پژمرده شده بود. سارا پدرش را صدا زد و به او گل سرخ را نشان داد. پدر سارا تا گل سرخ را دید، بیل کوچکش را برداشت و جای گل را عوض کرد و او را کنار دوستانش گذاشت.

حالا دیگر گل سرخ هم مثل دوستانش می‌خندید و خوشحال بود.

نویسنده: غزاله صفدری

هنرمند کوچولو

گل لاله

چی لازم داریم؟

کاغذ رنگی در رنگ‌های سبز، سفید و قرمز، مقوا، قیچی، مداد، چسب

چطوری درست کنیم؟

روی کاغذرنگی‌ها مثل شکل، گل لاله و برگ‌هایش را با مداد بکشید و آن‌ها را با قیچی ببرید. حالا باید آن‌ها را از وسط تا بزنید. بعد از این کار، باید گل‌ها و برگ‌ها را کنار هم بگذارید و مثل شکل آن‌ها را به هم بچسبانید. یادتان باشد برای گل تان ساقه هم بگذارید. وقتی گل‌ها و برگ‌ها را چسباندید، آن را روی مقوا بگذارید و چسب بزنید. حالا شما یک گل لاله برجسته به رنگ پرچم ایران دارید که می‌توانید برای تزیین از آن استفاده کنید.

منصوره گلی

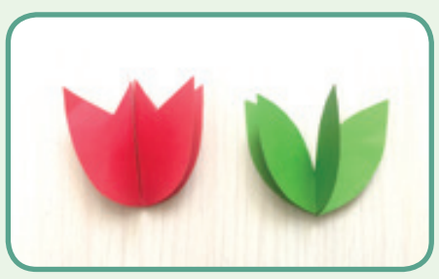

سرگرمی

بازی و ریاضی

پرنده خوشگلی که می‌بینید سرعت پروازش را در مسیر با دوستانش هماهنگ می‌کند. (مثلا وقتی به پروانه می‌رسد تا رسیدن به دوست بعدی اش با همان سرعت پروانه، پرواز می‌کند)
با توجه به سرعت دوستانش که در جدول آمده است، پرنده در کدام نوبت زودتر به لانه‌اش روی درخت می‌رسد؟

۶	۵	۴

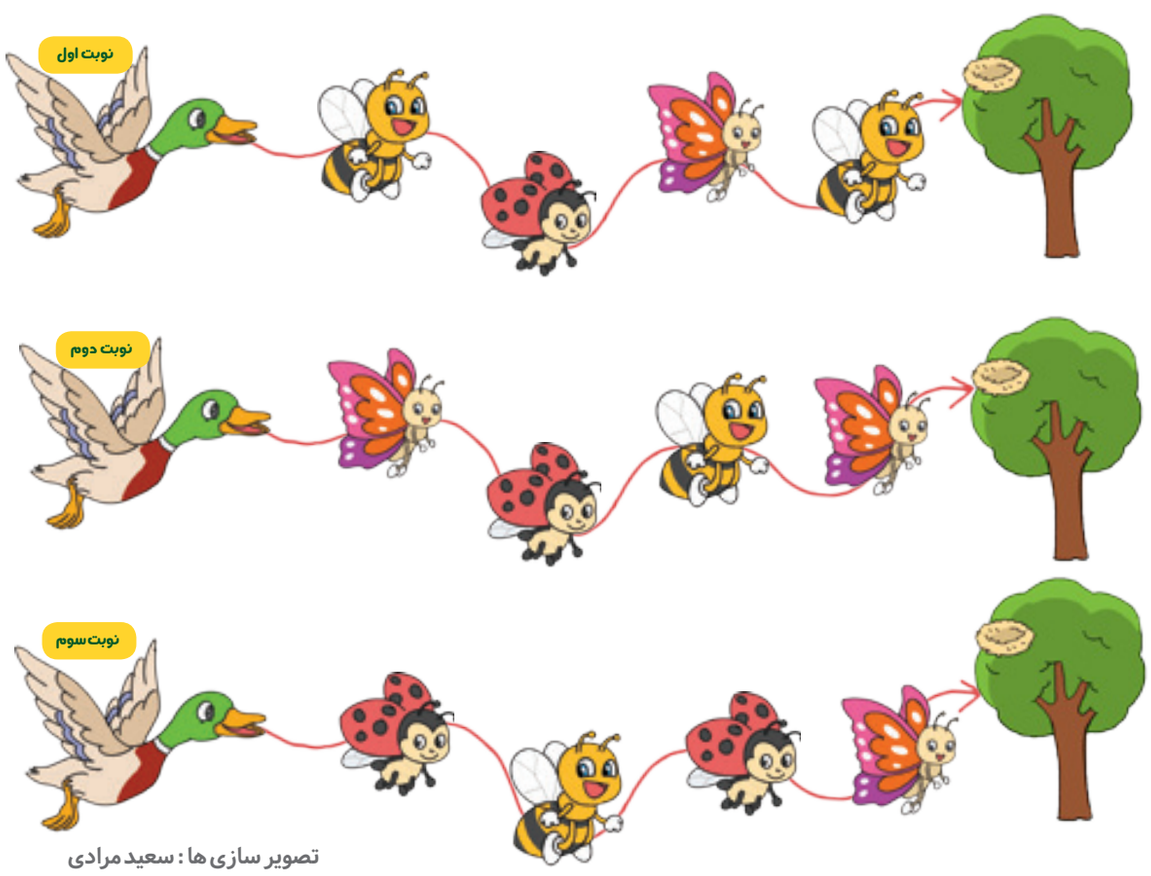

تصویر سازی ها: سعید مرادی